

گونه‌شناسی کارگران مهاجر فصلی برحسب رفتارهای پرخطر در شهر تهران: یک مطالعه کیفی

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۱۹، شماره دوم: ۲۸۹-۳۰۶

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در *ISC*

یحیی علی بابایی

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

ستار پروین^۱

استادیار گروه مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

بپذیرش: ۹۱/۱۲/۲۲

دریافت: ۹۱/۷/۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی وضعیت زندگی کارگران فصلی مهاجر و گونه‌شناسی آنان بر حسب رفتارهای پرخطر در شهر تهران می‌پردازد. روش تحقیق، کیفی می‌باشد که داده‌های مورد نیاز از طریق مشاهده و مصاحبه با کارگران فصلی احصا شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کارگران فصلی از وضعیت نامناسبی به لحاظ وضعیت خواب و استراحت، تغذیه و درآمد برخوردارند. همچنین نتایج بیانگر آن است که بر اساس رفتارهای پرخطر، می‌توان کارگران فصلی را به سه گروه مستعد آسیب، آسیب پذیر و آسیب زا، گونه‌شناسی کرد.

کلید واژه‌ها: کارگر مهاجر فصلی، رفتارهای پرخطر، مستعد آسیب، آسیب پذیر و آسیب‌زا

^۱. پست الکترونیکی نویسنده رابط sparvin1359@gmail.com

طرح مسئله

همه‌ساله تعداد زیادی از کارگران فصلی مهاجر، از استان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور، عمدتاً استان‌های غربی، در جست‌وجوی معیشت و کسب درآمد، به‌صورت موقت و چرخشی، به شهر تهران مهاجرت می‌کنند. کارگران فصلی از گروه‌های حاشیه‌ای عمده در متن شهر تهران هستند که از حداقل حقوق انسانی و شهروندی بی‌بهره‌اند. وضعیت زندگی پرمسئله آن‌ها نشان می‌دهد که در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و جرائم و رفتارهای پرخطر هستند. مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که وضعیت زندگی کارگری و مهاجرت از عوامل زمینه‌ساز در بروز آسیب‌های اجتماعی شهری و گرایش به رفتارهای پرخطر است (مشفق و احمدی ۱۳۸۶؛ صادقی ۱۳۸۵؛ علاء‌الدینی و همکاران ۱۳۸۹؛ پوراحمد و کلانتری ۱۳۸۰؛ Shukai 2000؛ Ozen et al 2005؛ Puri and Cleland 1999؛ Kawachi et al 1999؛ Ma 2001؛ Yang et al 2009؛ Chen et al 2004).

گروه‌های کارگری معمولاً به‌صورت گروه‌های پرجمعیت زندگی می‌کنند و اغلب، در محل کار خود، سکونتگاه‌های خوابگاهی (بیشتر اتاقکی برای خواب در محل کار) دارند. از مصادیق این گروه‌ها، می‌توان به کارگران ساختمانی، کارگران کارگاه‌ها، میدان‌های میوه و تره‌بار، رستوران‌ها، نانوايي‌ها، فضاهاي سبز، پارک‌ها و گروه‌هایی که برای پیدا کردن کار در میدان‌های اصلی و بر سر چهار راه‌ها تجمع می‌کنند، اشاره کرد. برخی مطالعات درباره این گروه‌ها، نشان می‌دهد که این گروه‌ها از لحاظ اجتماعی و اقتصادی آسیب‌پذیرند و در مقایسه با کارگران بومی، به‌رغم ساعات کاری بیشتر و انجام دادن کارهای سخت و خطرناک، دستمزدهای کمتری دریافت می‌کنند و امنیت شغلی ندارند. همچنین شرایط ناپایدار فعالیت موجب می‌شود که آنان به‌منظور کسب درآمد بیشتر و تلاش در جهت فراهم آوردن حداقل پس‌انداز برای خانواده خود که معمولاً در مبدأ زندگی می‌کنند، به کارهای بسیار خطرناک و سخت تن بدهند. اینان به‌لحاظ برخورداری نبودن از تغذیه و بهداشت و مسکن مناسب، از نظر جسمی و روانی بسیار آسیب‌پذیرند. به‌همین دلیل و به‌دلیل بروز بیماری‌های مزمن در آنان و درمان نشدن به‌موقع، ضریب سلامت بسیار پایینی دارند (مشفق و احمدی ۱۳۸۶). به‌علاوه، تعلق‌نداشتن به محیط شهری و هنجارهای آن، احساس محرومیت نسبی، مواجهه با برخوردهای تحقیرآمیز، احساس حاشیه‌ای بودن و

فشارهای روحی و جسمی، از دیگر ویژگی‌های این گروه‌هاست که پس از حضور در محیط‌های شهری، بر آن‌ها مستولی می‌شود.

در مطالعه حاضر، تلاش می‌شود به بررسی زندگی حاشیه‌ای کارگران فصلی و همچنین سنخ‌شناسی و گونه‌شناسی آنان برحسب رفتارهای پرخطر در شهر تهران پرداخته شود.

ادبیات تحقیق

فرض نظری تحقیق این است که سه مفهوم نظری فشار اجتماعی و بازدارندگی اجتماعی و تأثیرات منفی شهرنشینی می‌تواند در چرایی گرایش کارگران فصلی به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی و همچنین در گونه‌شناسی آنان مطمح نظر قرار گیرد.

الف. نظریه فشار اجتماعی

جرم‌شناسانی که جرم را پیامد مستقیم محرومیت و خشم طبقه پایین در نظر می‌گیرند، دارندگان نظریه‌های فشار شناخته می‌شوند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که اغلب مردم، اهداف و ارزش‌های مشابهی دارند؛ اما توانایی دسترسی به اهداف مشخص به وسیله طبقه اقتصادی و اجتماعی طبقه‌بندی می‌شود (Siegel 2003, 192). ایده اصلی نظریه فشار این است که اهداف عامی که هر جامعه برای اعضایش ایجاد می‌کند، ممکن است برای عده‌ای در دسترس نباشد (Einstadter et al 2006, 151). از نظر مرتون، ساختار اجتماعی، نه تغییر اجتماعی، ریشه مسئله جرم و سایر آسیب‌ها و مسائل اجتماعی است. از نظر وی، افراد، مطیع قانون هستند؛ اما زمانی که تحت تأثیر فشار زیاد باشند، به جرم رجوع می‌کنند. شکاف میان اهداف و وسایل فراهم‌کننده این اهداف، منبع فشار است (Adler et al 2001, 125). یکی از موضوعات مهم مرتون، ایجاد رفتارهای جایگزینی است که ممکن است از اختلاف میان اهداف و ابزارها ناشی شود؛ آنچه مرتون آن‌ها را شیوه‌های^۱ سازگاری فردی می‌نامد (McCaghy et al 2006, 51). این شیوه‌های سازگارانۀ عبارت‌اند از: همنوایی^۲، نوآوری^۳، مناسک‌گرایی^۴، کناره‌گیری^۵ و شورش^۶.

1. modes
2. conformity
3. innovation
4. Ritualism
5. retreatism
6. rebellion

رابرت آگنیو در تئوری نظریه عمومی جرم، معتقد است که افراد به این دلیل در جرم و کجروی اجتماعی درگیر می‌شوند که فشارها و استرس‌ها را تجربه می‌کنند؛ برای مثال، آن‌ها نیاز شدید به پول دارند یا معتقدند که به وسیله اعضای خانواده، معلمان، همالان، کارفرمایان و دیگران تحت فشار هستند. این افراد ناراحت می‌شوند و مجموعه‌ای از احساسات منفی مانند عصبانیت و محرومیت و افسردگی را تجربه می‌کنند و از طریق جرم، بر این فشارها و هیجانات منفی غلبه می‌کنند. جرم ممکن است راهی برای کاهش یا فرار از فشار باشد (Agnew 2009).

ب. بازدارندگی اجتماعی

تئوری بازدارندگی اجتماعی دو بعد کنترل و خودکنترلی اجتماعی دارد. در این نظریه، افراد به این دلیل از قانون پیروی می‌کنند که رفتار و احساسات آن‌ها به وسیله نیروهای درونی و بیرونی کنترل می‌شود. هیرشی، عناصر کنترل و پیوند اجتماعی را شامل وابستگی، تعهد، مشغولیت و ایمان در نظر می‌گیرد. از طرف دیگر، برخی افراد دارای خودکنترلی^۱ هستند که از طریق یک حس اخلاقی قوی نمایان است. این حس افراد را در صدمه زدن به دیگران یا تخطی از هنجارهای اجتماعی برحذر می‌دارد (Siegel 2003, 228).

ج. اکولوژی شهری و تأثیرات منفی شهرنشینی

نظریه پردازان اکولوژی شهری، مکتب شیکاگو، موضوعات مهاجرت را با بزرگی و ناهمگونی شهر و بروز آسیب‌های متعدد اجتماعی در شهرها و به خصوص کلانشهرها مرتبط می‌دانند. در این مکتب، به دنبال مهاجرت، بسیاری از اخلاقیات و نُرم‌های اجتماعی که تنظیم‌کننده شیرازه روابط اجتماعی است، از بین می‌رود یا تأثیرات آن‌ها کمرنگ می‌شود (Marsh et al 2006, 99). رابرت پارک معتقد است که مهاجرت و تحرکات جمعیتی، نظم اجتماعی را به هم می‌زند. به علاوه، زوال پیوندهای محلی و توانایی ضعیف گروه‌های اولیه، مانند خانواده و محله، برای اعمال مکانیسم‌های غیررسمی کنترل اجتماعی در محیط شهری، از عوامل مستقیم جرم و بزهکاری جوانان و فساد است (Caves et al 2005, 504).

^۱. self-control

روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر، کیفی است که اطلاعات تحقیق، از طریق مصاحبه‌های کیفی و مشاهده به دست آمده است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق، شامل همه کارگرانی است که به صورت چرخشی و موقتی، در ماه‌ها و فصل‌های خاصی از سال، به شهر تهران مهاجرت می‌کنند. این گروه معمولاً یا بیکارند یا در بخش غیررسمی اقتصاد شهری مشغول به کار می‌شوند. نمونه‌گیری بر مبنای اشباع نظری صورت گرفت که در نهایت، با سی نفر از کارگران فصلی مصاحبه شد. مصاحبه‌ها عمدتاً در میدان‌ها و چهارراه‌های اصلی شهر تهران انجام شد که محل تجمع کارگران فصلی است. به جهت اطلاعات شخصی مندرج در مصاحبه‌ها و رعایت مسائل اخلاقی، از ذکر نام مصاحبه‌شوندگان خودداری شده است.

یافته‌های تحقیق

الف. ویژگی‌های عمومی

کارگر فصلی مهاجر، توصیف مردی است آواره و سرگردان که در جست‌وجوی راه تأمین حداقل نیازها، زادگاه و محل زندگی خود را به صورت موقت رها کرده و به شهر تهران آمده است. این مرد آواره در دو دنیای متفاوت و گاه متضاد زندگی می‌کند؛ از طرفی به زادگاه خود می‌اندیشد و به آنجا احساس تعلق خاطر دارد و از طرف دیگر، به ناچار زندگی حاشیه‌ای تهران را برگزیده است؛ شهری که صرفاً به بهانه معیشت به آنجا مهاجرت کرده و تعلقی بدان‌جا ندارد. کارگر فصلی در فصل‌های خاصی از سال به تهران می‌آید؛ ولی این مهاجرت بیشتر، در تابستان و اواخر پاییز و زمستان نمود دارد.

کارگر فصلی بیشتر از غرب کشور و از استان‌های محروم به تهران می‌آید، فشارهای جسمی و روحی بسیاری را تجربه و تحمل می‌کند، وضع ظاهری‌اش نشان می‌دهد که ظاهر برای او مهم نیست. بیشتر، لباس‌های کارگری و کثیف به تن دارد و موهایش نامرتب و ژولیده است. او مرد سخت زمستان است و با تمام وجود، سرمای ناجوانمردانه زمستان را به امید کسب درآمد و معیشت تحمل می‌کند و آن را به جان می‌خرد. صبح‌ها برای کار به سر چهارراه‌ها و میدان‌های اصلی شهر می‌آید، به امید آنکه کاری پیدا کند. بر قدرت بدنی، بیشتر از هوش و ذکاوت تکیه دارد و بیشتر، کارهای یدی و بدنی و فیزیکی سنگین انجام می‌دهد. مهارت شغلی چندانی ندارد

و اغلب، کارهای در زمرهٔ فعالیت‌های کارگر ساده، مانند باربری و حمل اجسام سنگین، کارهای ساختمانی سنگین و... را انجام می‌دهد.

کارگر فصلی اغلب، بی‌حوصله است. او احساس محرومیت نسبی زیادی دارد و از از خودبیگانگی اجتماعی رنج می‌برد. میزان احساس بی‌سازمانی اجتماعی و احساس آنومی در او زیاد است. این ویژگی‌ها در محیط شهر تهران تشدید می‌شود رضایت او از زندگی پایین است. یکی از کارگران در توصیف فشارهای اجتماعی و حضور از خودبیگانگی در بین کارگران فصلی معتقد است:

ما هیچ قدرتی در زندگی نداریم؛ اگر پول داشته باشیم قدرت داریم. هیچ آینده‌ای نداریم و آینده هم بسیار تیره و تار است. توان تغییر زندگی و سرنوشت خودمان را نداریم و همیشه احساس ناامیدی می‌کنیم. هیچ آرزویی هم نداریم. من حداقل هفت سال است که اینجا و فقط پول بخور و نمیرم را درمی‌آرم. کار ما هم خیلی سنگین است، الآن زانوم آب آورده. باز، بهتر از بیکاری و بی‌پولی هست. کار ما هم خسته‌کننده و تکراری است؛ ولی باز چاره‌ای نداریم و آلا از گرسنگی می‌میریم. همیشه از این زندگی ناامیدم و احساس تنفر از خودم دارم. اگر کاری باشه به زندگی کمی امیدوار می‌شویم. بمیریم، بهتره و آلا. این زندگی نیست که ما داریم... (کارگر جوان فصلی در پایین‌تر از چهارراه امیرآباد).

بخشی از فشارهای او از سمت خانواده است. اگر مجرد باشد، پدر و مادر فقیر و گاه برادر و خواهرش از او انتظار پول دارند. اگر هم متأهل باشد، زن و بچهٔ خود را در شهر و روستای خود تنها گذاشته و به انتظار فرستادن پول، هر از چند گاهی به آن‌ها سر می‌زند. کارگران فصلی اغلب، خانواده‌های محروم و فقیری دارند، به طوری که ماهانه از آن‌ها انتظار فرستادن پول دارند. یکی از آن‌ها در این زمینه می‌گوید:

از طرف خانواده هم در شهرستان، خیلی به ما برای پول فشار می‌آورن. شب زنگ می‌زنن و می‌گن برای ما خرجی بفرستید. الآن هم باران نمی‌آد و کشاورزی هم وضعش خرابه. خانواده‌های ما هم وابسته به کشاورزی‌اند. پدران ما هم همش کارگر بودن. ما هم اینجا درآمدی نداریم. انتظار خانواده‌ها هم بالاست و انتظار دارن ما هر ماه برایشان پول بفرستیم؛ ولی ما کار و پول ثابتی نداریم. گاهی هم خرجی خودمان را در نمی‌آوریم و

مجبوریم از همدیگه قرض بگیریم، چه برسه به اینکه برای خانواده بفرستیم (کارگر جوان فصلی در پایین‌تر از چهارراه امیرآباد).

کارگر دیگر در این زمینه معتقد است:

خیلی سال است که ما اینجا هستیم. حتی پدرای ما اینجا بودن و با کارگری به جایی نرسیدن. بیشتر، پول کارگری بخور و نمیر است. دیپلم داریم، ولی پول نداریم بریم دانشگاه. با این شرایط، هر روز اگر کار بکنیم، سیر هستیم. اگر هم کار نکنیم، گرسنه‌ایم. برای قشر کارگر، راه قانونی برای آینده نیست. بیمه هم نباشه، مهم نیست، فقط روزانه کار باشه تا خرج خودمان و خانواده‌مان را دریاوریم برای ما کافیه (کارگر جوان فصلی در بازار تهران).

در تهران، احساس می‌کند کسی به او توجهی ندارد و اغلب، فکر می‌کند صاحب‌کار با او با تحقیر رفتار می‌کند و حق او را می‌خورد. یکی از کارگران فصلی در این باره معتقد است:

برخورد صاحب‌کارها با ما خیلی بده. در بینشان آدم خوب هم پیدا می‌شه، ولی معمولاً حق و حساب ما را نمی‌دن. یارو ۲۵۰ میلیون ماشین زیر پاشه، به ما که می‌رسه، حق ما را نمی‌ده. اگر هم بده، با بی‌احترامی پول کار را می‌ده. وقتی به... مراجعه می‌کنیم، به گریه بیشتر از ما احترام می‌ذارن و بیشتر، طرف صاحب‌کار را می‌گیرند؛ چون که اونا پول دارن... ما را خیلی اذیت می‌کنند. ما را می‌برند... فکر می‌کنند ما خلاف‌کاریم. بر خوردشان خیلی تند است و می‌خوان توی گوش ما بزنند. همش از... طرف‌داری می‌کنند، ما هم نباید چیزی بگیریم. دوسه ساعت گیرمان می‌دهند تو... انگار که ما قاتلم. ما را می‌برند زیرزمینی، عکس می‌گیرند و تعهد می‌گیرند. بدون هیچ مدرکی ما را می‌گیرند. اگر کاری هم تو... باشه، مثل شستن دست‌شویی، به ما می‌دن، بدون اینکه پول از این کارا به ما بدهند. بعد، با بی‌احترامی و با لگد ما را می‌اندازن بیرون.

کارگر فصلی قانع است و ممکن است برای کار سال‌ها به تهران بیاید؛ ولی وضع او تغییری نکند. و اباید به همین وضع قانع باشد.

ب. وضعیت تغذیه و خواب و استراحت

وضعیت تغذیه و استراحت کارگر فصلی، بسیار نامناسب است. روز خود را با صبحانه ناچیز و مشترک آغاز می‌کند. گاه، چند نفری یک خامه یا پنیر می‌خرند و با دوستان و هم‌خانه‌ای‌ها

می‌خورند. ناهارها را اغلب، در میدان‌ها و خیابان‌ها می‌خورد و با دوستانش یک یا چند قرص نان با یک کنسرو صرف می‌کند و به انتظار کار، روز را ادامه می‌دهد تا به عصر برسد. شب را هم با دوستانش، به صورت جمعی سپری می‌کند. جای خواب و استراحت نامناسبی دارد. جای خواب او در زمستان‌ها، بسیار سرد و طاقت‌فرسا و در تابستان‌ها، گرم است. درآمد ناچیز او، اجازه اجاره و کرایه منزل را در پایین شهر هم نمی‌دهد و بیشتر، در کنار دوستان خود یا منازل کارگری روز و شب را طی می‌کند. منزل او بسیار متراکم و پرجمعیت است و در یک اتاق ۳در۲، حدود ده نفر و بیشتر، به صورت جمعی زندگی می‌کنند. سر صبح هم به دور از چشم کسانی که نباید ببینند، منزل را ترک می‌گویند و شب‌هنگام به آنجا مراجعه می‌کند.

یکی از کارگران، درباره وضعیت تغذیه کارگران معتقد است:

وضعیت تغذیه ما خیلی بد. صبحانه یک خامه می‌خریم و شش نفری می‌خوریم. ناهار را هم سر چهارراه‌ها و در خیابان می‌خوریم. ناهار هم یا کنسرو بادمجان یا لوبیا یا الویه است. گاهی هم سیب‌زمینی می‌خوریم. تخم‌مرغ هم الآن که خیلی گران است. ناهار می‌ریم گوشه‌ای و با هم یک کنسرو می‌خوریم. وضعیت غذای ما از گربه‌های تهران هم بدتره. بعضی‌ها به سگ‌ها و گربه‌هایشان در تهران، کیلوکیلو گوشت می‌دن، ولی ما سالی یک‌بار هم نمی‌خوریم. ما یک غذا می‌گیریم برای پنج نفر، ولی در تهران، پنج غذا برای یک نفر می‌آرن.

کارگر دیگری معتقد است:

غذای ما بیشتر، سیب‌زمینی و کنسرو است. الانم تخم‌مرغ که گران شده، حدود چارپنج‌هزار خرج روزانه ماست؛ تازه اگر چیزی هم نخوریم. جای استراحت ما که خیلی سرده، ولی ناچاریم. اسم منزل ما به هتل کارتن معروف است. جا خیلی کوچیکه. همه کنار هم می‌خوابیم.

کارگران فصلی اغلب، به صورت دسته‌جمعی و در خانه‌های کارگری زندگی می‌کنند. محل استراحت آن‌ها امکانات اولیه را هم ندارد و به دلیل نبود وسایل گرمایش، شرایط زندگی آن‌ها در زمستان بسیار سخت‌تر است. یکی از آن‌ها درباره وضع استراحت و خواب خود و دوستان کارگرش معتقد است:

محل خواب و استراحت ما خیلی بد. محل استراحت، بازار مولوی است. حدود ده نفر در یک منزل ۳در۲ زندگی می‌کنیم. منزل هم سرایه‌داری است؛ به خاطر اینکه

کرایه‌خانه ندهیم. جا نیست. همه کنار هم می‌خوابند. نه فرش مناسب و نه پتوی کافی داریم. منزلمان خیلی سرده؛ نه گاز داره و نه چیزی. علاءالدین داریم؛ ولی پول نفت نداریم. نفت هم که گران هست و همیشه خاموشه. از شدت سرما، الآن کلیه‌هایمان درد می‌کند. الآن یک ناهار معمولی دوهزار تومان، صبحانه ۱۵۰۰ تومان و شام دوهزار تومان است. نان هم که گران شده. پول یارانه هم که به خرج ما نمی‌رسه. کسی به ما توجهی نداره. برای وام مراجعه می‌کنیم، به ما نمی‌دن. هرکی پای بخاریه، گرم است؛ ولی ما تو این زمستان، باید از سرما بلرزیم. حدود ۲۵ نفریم که هر روز، اینجا جمع می‌شیم. خونه‌مون هم پر از حشره و سوسکه.

ج. وضعیت کار و درآمد

کارگر فصلی خیلی خوش‌بین به آینده نیست و بیشتر، به درآمد و کار روزانه‌اش خوش‌بین است و از آن خوش‌حال می‌شود. در روزی که کار به سراغ او بیاید، خوش‌حال است و در روزی که درآمدی نداشته باشد، ناراحت و عصبانی. در طول یک روز کاری، فشارهای جسمی و روانی بسیاری را تجربه می‌کند؛ ولی به آنها بی‌اعتناست و به روزهای آینده خوش‌بین است. برای او سردی و گرمی، شب و روز فرقی ندارد. مهم، کار است و کار. اغلب، به خاطر کارهای سنگین، کم‌درد و زانودرد دارد؛ ولی به‌ناچار آنها را تحمل می‌کند. این دردها همراه همیشگی او هستند. گاهی هم آسیب‌های جسمی سنگین به او وارد می‌شود که شاید تا آخر عمر تاوان آنها را پس دهد.

کارگر فصلی به هیچ‌یک از حقوق کارگر آگاه نیست؛ حتی به حق بیمه. صبح‌ها به سر چهارراه‌ها و میدان‌های اصلی تهران، به امید کار، می‌آید و تا شب، به انتظار کار می‌ماند. برای او بیکاری و نداشتن درآمد بدترین درد است و کار سخت یدی را به آن ترجیح می‌دهد. هنگامی که صاحب‌کاری برای کار به آنها مراجعه می‌کند، با هم به سمت او می‌روند و هرکس زودتر برسد، برنده این ماجراست و کار سهم او می‌شود. نوع کار و سختی آن مهم نیست؛ آنچه اهمیت دارد، توافق بر سر پول از طرف صاحب‌کار است. کارگر فصلی جدی‌ترین رقیبش را کارگران افغانی می‌داند، چراکه معتقد است کارگر افغانی، ارزان است و به قیمت ناچیزی کار می‌کند و بازار کار را قبضه کرده است.

کارگران فصلی به مشاغل سنگین و طاقت‌فرسا تن می‌دهند و حتی این‌گونه کارها را به بیکاری ترجیح می‌دهند. یکی از آن‌ها درباره وضعیت شغلی خود می‌گوید:

اگر کار هم باشه، کار ما خیلی سنگین است؛ ولی کار سنگین و سخت را به بیکاری سر چهارراه ترجیح می‌دیم. زمستان‌ها وضعیت کار، خیلی خراب است و بیشتر بیکاریم؛ ولی تابستان‌ها کار، کمی بهتر است. کار هم باشه، خسته و کوفته می‌ریم خانه و منزل... فشار کار زیاده. من الآن بیست‌سالمه، ولی کمردرد دارم و پول ندارم برم دکتر. گاهی تا ده طبقه، یخچال بالا و پایین می‌بریم. وضعیت کار هم به‌خاطر افغانی‌ها خیلی خرابه. صاحب‌کارها بیشتر از کارگران افغانی استفاده می‌کنند، افغانی‌ها با ده‌هزار تومان هم کار می‌کنند. خیلی‌ها با چرخنی در بازار، برای روزی ده تومان کار می‌کنند که اونم شهرداری نمی‌ذاره. من خودم دو بار شهرداری چرخم را از من گرفت؛ اینم از وضع کار ما.

کارگران فصلی به دلیل مشاغل سنگینی که انجام می‌دهند، اغلب، دردهای جسمی بسیاری را تجربه می‌کنند. یکی از آن‌ها درباره این وضع می‌گوید:

اعصاب همه ما خراب است. کسی ما را آدم حساب نمی‌کند. شب که به خانه می‌رویم، یک‌کم غذا می‌خوریم، بعدش می‌خوابیم تا صبح حدود ساعت شش. بعد هم می‌آییم اینجا و تا ساعت پنج عصر سر چهارراه هستیم. خستگی و کوفتگی را همیشه داریم. از بس سر پا هستیم، کمر و زانومان درد می‌کند. از شدت سرما، کلیه ما درد می‌کند. کار هم از صبح که می‌آییم، همش انتظاره. حرکت می‌کنیم، ولی برکتی نداریم. احساس می‌کنم همه درهای زندگی به رویم بسته است. بچام قصد خودکشی دارد، هیچ‌چیز نداریم، امکانات زندگی نداریم. الانم به‌خاطر جنگ، اعصابم به‌هم‌ریخته است. گوشام خوب نمی‌شنوند، چشمم مشکل دارند. من کمردرد دارم، زانودرد هم دارم. تازگی دو تا آمپول زدم. پولی هم که برای دوا و دکتر نداریم.

د. گونه‌شناسی کارگران فصلی مهاجر

یکی از اهداف مهم در مطالعات اجتماعی، به‌ویژه در مطالعات کیفی، گونه‌شناسی و تیپولوژی موضوعات مورد مطالعه است. در تحقیق حاضر نیز تلاش شد تا به این مهم پرداخته شود. براساس محورهای مختلف، مانند استان محل سکونت، سن، نوع شغل و... می‌توان کارگران

فصلی را طبقه‌بندی کرد؛ ولی از آنجاکه این تحقیق به بررسی آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر در بین کارگران فصلی مهاجر در شهر تهران می‌پردازد، لذا بر مبنای این موضوع، تلاش می‌شود تا گونه‌شناسی کارگران فصلی انجام پذیرد.

به‌طور کلی، می‌توان بر مبنای رفتارهای پرخطر و میزان گرایش کارگران فصلی و همچنین نوع این رفتارها، کارگران فصلی را به سه گونه تقسیم‌بندی کرد:

۱. گونه اول: کارگران مستعد آسیب

گونه اول که اغلب، کارگران فصلی را شامل می‌شود، کارگرانی هستند که به رفتارهای پرخطر به‌شکل عملی اقدام نکرده‌اند؛ ولی با توجه به مشاهده‌ها و مصاحبه‌های صورت‌گرفته، مستعد آسیب‌پذیری در مقابل رفتارهای پرخطر هستند. از شایع‌ترین رفتارهای پرخطری که در این گونه از کارگران وجود دارد، استعمال سیگار و گاهی قلیان است که غالب افراد این گونه، اقدام به مصرف آن‌ها می‌کنند. کارگران فصلی در این گونه، میزان خودکنترلی و کنترل اجتماعی بالایی دارند و به‌دلیل مواردی مانند وجدان، خانواده، ترس از قانون، پلیس یا مجازات، اقدام به رفتارهای خلاف قانون نمی‌کنند و به درآمد بخور و نمیر کارگری قانع هستند. یکی از کارگران در تأیید این موضوع، معتقد است:

اصلاً دنبال کار خلاف نیستم؛ اگر دنبالش بودم اینجا نمی‌آمدم. کار خلاف گناه داره، وجدانم قبول نمی‌کنه، آخر عاقبت نداره. وقتی به عاقبتش فکر می‌کنم، باعث می‌شه زندگی آدم از هم پاشیده بشه. کسانی که خلاف می‌کنند، به فکر زن و بچه‌هایشان نیستند، قید همه چیز را زدن و از زندگی سیر شدن. حاضرم این زندگی سخت کارگری را تحمل کنم؛ ولی گیر پلیس و زندان نیفتم.

کارگران این طبقه، ویژگی‌های مشترکی با دو گونه دیگر دارند؛ از جمله اینکه به‌طور روزمره، فشارهای اجتماعی در سطح خرد را تجربه می‌کنند. به‌طوری‌که اغلب آن‌ها آسیب‌های جسمی و روانی روزمره را تجربه می‌کنند، درآمد پایین دارند، وضعیت تغذیه و استراحت آن‌ها مناسب نیست و مدام از وضع خود شاکی هستند. مهم‌ترین ویژگی این گونه، مستعدبودن آن در مقابل رفتارهای پرخطر و گاه، خلاف قانون است. بخشی از افراد این گونه کارگری، به دست‌فروشی کالاهایی مانند جوراب، چتر و... در سطح شهر اقدام می‌کنند. این گونه به رفتارهای پرخطر،

مانند خودکشی، استعمال سیگار و مصرف مواد مخدر بیشتر از سایر آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر گرایش دارد؛ دلیل این موضوع هم وجود فشارهای اجتماعی روزانه و تأثیرات منفی زندگی حاشیه‌ای در شهر تهران است که کارگران فصلی به‌صورت مداوم تجربه می‌کنند. این گونه بیشترین تعداد کارگران فصلی مهاجر را به خود اختصاص داده است.

۲. گونه دوم: کارگران آسیب‌پذیر

گونه دوم از کارگران فصلی، کارگران آسیب‌پذیر هستند. این گونه به‌دلیل وجود شرایط سخت زندگی کارگری و فشارهای متعدد ناشی از آن، در آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر درگیر می‌شوند. عمده‌ترین آسیب‌هایی که در این گونه شایع است، اعتیاد و مصرف مواد مخدر، خودکشی، بی‌خانمانی و استعمال سیگار و قلیان است. ویژگی اصلی رفتارهای پرخطر در میان این گونه کارگری این است که این رفتارها و آسیب‌ها، قربانی ندارد و به‌واقع خود فرد، قربانی اصلی آن است، به‌طوری‌که شرایط سخت زندگی کارگری باعث شده که کارگر فصلی از طریق این آسیب‌ها، دست به تخریب خود بزند. بنابراین می‌توان این نوع از آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر را «بدون قربانی» نامید.

اعتیاد به انواع مواد مخدر سنتی و صنعتی مانند تریاک و کراک و شیشه، یکی از شایع‌ترین آسیب‌های اجتماعی در بین این گونه است. بنابه گفته یکی از کارگران:

دوتا فامیل داریم الآن معتاد شدن، توی آریاشهر کارتن‌خوابی می‌کنند. افتادن گوشه‌ای، حدود ۲۳ سال سن دارن. کم‌کم تریاک کشیدن، الانم ول هستن. آمدن کارگری بکنن، ولی سر از اعتیاد درآوردن. بعضی‌هام خلاف‌هایی مثل سرقت و قاچاق مواد مخدر می‌کنند.

کارگر دیگر می‌گوید:

یه نفر از دوستانم معتاده. بیکار بود، اعصابش خیلی خراب بود، رفت و تریاکی شد. الانم نمی‌تونه کار بکنه. همش تو خانه مجردی می‌خوابه، تازه متأهل هم هست. کارگری آخرش اینه. فقط می‌تواند پول موادشو دربیاره و چیزی نمی‌تونه برای زن و بچه‌اش تو شهرستان بفرسته.

گفته پایین نشان می‌دهد که هم‌نشینی‌های شبانه از عوامل تأثیرگذار در تشدید مصرف مواد مخدر مختلف در بین کارگران فصلی است:

باور کن بیشتر از نصفی از کارگرای اینجا معتادان. همه‌جوره، از تریاک گرفته تا حشیش و کراک و شیشه می‌کشن. بیشتر شب‌ها که خانه‌مجردی دارن، دور هم جمع می‌شن پنج‌شش نفری با هم تا نصف شب مشغول می‌شن. روزها هم که می‌آن اینجا علاف‌اند.

خودکشی یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی شایع در بین این گونه از کارگران فصلی است: تو ستارخان، جوانی بود که حدود ۲۳ سال سن داشت. گفت که فشار زندگی برایش خیلی سنگینه و حوصله کار ندارد. گفت نمی‌توانم این زندگی را تحمل کنم. تو خیابان ستارخان خودشو دار زد بعدش جنازه‌شو بردن... .

کارگر دیگر درباره تجربه خودکشی دوستانش می‌گوید:

کارگرانی را می‌شناسم که به تهران آمدند؛ ولی به‌خاطر بی‌پولی، دست به خودکشی زدند. نمی‌توانستند خرج خود و خانواده‌شان را دریاورند، خیلی اذیت می‌شدند و مجبور شدند دست به خودکشی بزنند. بعضی از کارگران با تفنگ، بعضی‌ها با زدن شاهرگ و بعضی‌ها با سوزن خالی خودکشی می‌کنند. همش هم به‌خاطر بی‌پولی است. کارگر به خرج خودش نمی‌رسه، چه برسه به خرج خانوادش.

بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی که پیوند نزدیکی با مصرف مواد مخدر و خودکشی در بین کارگران فصلی دارد، یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی است که در بین گونه دوم کارگران فصلی وجود دارد که البته، معمولاً بعد از اعتیاد به مواد مخدر صورت می‌گیرد. یکی از کارگران فصلی که در بازار تهران ساکن است و روزها برای کار به خیابان کارگر شمالی، بالاتر از خیابان فاطمی، مراجعه می‌کند، در تجربه خود می‌گوید:

الآن در بازار تهران، کارگرانی هستند که معتاد و کارتن‌خواب شده‌اند و شب‌ها در خیابان‌ها می‌خوابند. بیشتر هم لر و لک و کرد هستند. آخرسر هم گوشه‌ای می‌میرند و به خانواده‌شان زنگ می‌زنند تا بیان جنازه‌شان را ببرند شهرستان. دلش هم بی‌پولی و احساس غریبی و بی‌کسی است.

این گونه از کارگران، به دلیل ضعف‌های جسمی و روحی ناشی از این گونه آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر، درنهایت، توان کارکردن را از دست می‌دهند و کمتر به جست‌وجوی کار می‌روند. به تعبیر مرتون این دسته از کارگران را «گوشه‌گیران» و «کناره‌گیران» می‌توان نامید.

۳. گونه سوم: کارگران آسیب‌زا

گونه سوم کارگران فصلی را می‌توان کارگران «آسیب‌زای شهری» نامید. این دسته از کارگران فصلی بیشتر تولیدکننده آسیب در شهر تهران هستند و برعکس دو گونه اول، به صورت فعال، این گونه رفتارها را مرتکب می‌شوند. بیشتر این رفتارها، خلاف قانون است و بنابراین، از آن‌ها با عنوان «جرم» می‌توان یاد کرد. این گونه از کارگران، بیشتر، به رفتارهایی مانند سرقت (به صورت فردی و گاهی جمعی)، قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر اقدام می‌کنند.

یکی از عمده‌ترین دلایلی که از نظر کارگران باعث می‌شود به سمت خرید و فروش مواد بروند، وجود و حضور فشار اجتماعی در سطح خرد، مانند بیکاری و بی‌پولی است. یکی از کارگران که در یکی از میدان‌های غرب تهران، به خرید و فروش مواد مخدر، مانند تریاک و کراک اقدام می‌کند، معتقد است:

الان هیجده‌ساله تهرنام. فقط حدود دو ماه کار کردم و کار گچ‌کاری می‌کردم. دیدم فایده نداره. کار خاصی هم بلد نبودم و به خاطر فشار زندگی، به این سمت آمدم. الانم ماهی صد تومان اجاره می‌دم و دوازده میلیون پول پیش دادم. تو... ساکنم. نه راه پس دارم و نه راه پیش. دوتا بچه دارم و با این سن، کارت پایان‌خدمت هم ندارم.

وی در ادامه، درباره نحوه خرید و فروش و میزان درآمد می‌گوید:

بیشتر مواد را افغانی‌ها می‌آورند و ما هم از دوستان و رفقا تهیه می‌کنیم. افغانی‌ها مواد را می‌آورند و به سرشاخه‌ها می‌دن. این مواد باید ریزفروش بشن. الانم بیشتر، کراک خرید و فروش می‌شه. تازگی‌ها هم یه چیزی به اسم گل آمده که هنوز جا نیفتاده و نسبت به مواد قبلی قوی‌تره. فروش ما هم بیشتر شانس است، پولش هم هیچ برکتی نداره. به طور میانگین، تو ماه حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان درآمد دارم.

این گونه از کارگران، بیشتر از دو گروه قبلی، به محیط شهری آسیب می‌زنند و جرائمی هم که مرتکب می‌شوند، در برخی موارد، دارای قربانی است و به دیگران صدمه می‌زند. از ویژگی‌های دیگر این تیپ از کارگران، خودکنترلی و کنترل اجتماعی پایین درمقابل گرایش به آسیب‌های اجتماعی است.

یکی از کارگران که در حال حاضر، به خرید و فروش مواد مخدر اقدام می‌کند و به همین دلیل، سابقه حبس هم دارد و از این راه به درآمد مناسبی دست یافته، در توضیح شرایط خودش این‌گونه اظهار نظر کرده است:

در حال حاضر، اقدام به خرید و فروش مواد مخدر، مانند کراک و شیشه می‌کنم. وضع مالی خوبی هم دارم. کار من معمولاً ۲۴ ساعته است. من حدود هفت سال هست که به این کار مشغولم و بیرون آمدن از این وضع برام ممکن نیست. کارم همیشه با ترس همراه هست که نکنه به زندان بیفتیم... این کار من خطرناک هست. اگر هم لازم باشه، درگیر می‌شم.

جدول ۱. گونه‌شناسی کارگران فصلی برحسب آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر

ردیف	گونه کارگران فصلی	آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر شایع	ویژگی‌های گونه
۱	کارگران مستعد آسیب	- استعمال سیگار و قلیان - گاهی مصرف مواد مخدر به صورت تفنی در خانه‌های کارگری و در بین دوستان	- میزان بالای احساس فشار اجتماعی در سطح کلان و خرد - میزان بالای خودکنترلی اجتماعی در مقابل برخی آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر
۲	کارگران آسیب‌پذیر	- اعتیاد به مواد مخدر مختلف - خودکشی - کارتن‌خوابی و بی‌خانمانی - استعمال سیگار و قلیان	- میزان بالای احساس فشار اجتماعی در سطح کلان و خرد - میزان نسبتاً متوسط و بالای خودکنترلی اجتماعی در مقابل گرایش به برخی آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر - میزان نسبتاً بالای کنترل اجتماعی که مانع گرایش آنان در ارتکاب آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر می‌شود.
۳	کارگران آسیب‌زا	- قاچاق مواد مخدر به صورت انفرادی و عمدتاً شبکه‌ای - جیب‌بری - سرقت انفرادی و گاهی شبکه‌ای - زورگیری و نزاع	- میزان بالای احساس فشار اجتماعی در سطح کلان و خرد - میزان پایین خودکنترلی اجتماعی در مقابل برخی آسیب‌ها و رفتارهای پرخطری که معمولاً به دیگران یا اموال آن‌ها صدمه می‌زند. این رفتارها عموماً دارای قربانی است. - میزان پایین کنترل اجتماعی

فرد دیگری درباره وضعیت خود این‌گونه معتقد است:

تا الآن پنج بار به زندان رفتم و علت حبس هم بیشتر، خرید و فروش مواد و مشروبات الکلی، دعوای خیابانی و سرقت هست. من فرزند طلاقم و در حال حاضر، به تنهایی زندگی می‌کنم و مشغول خرید و فروش شیشه و حشیش و کراک هستم و در ماه، بیشتر از دو میلیون درآمد دارم که کلاً، هزینه خورد و خوراک و مصرف مواد می‌شه. من آدم کم‌حوصله‌ای هستم و تنها نیم‌ساعت تحمل بیکاری دارم و بعد، دست به هر کاری می‌زنم. در زندگی، چیزی برای از دست دادن ندارم و هیچ باکی از مرگ هم ندارم. شب و روز برام تکراری شده. اصلاً برام چیزی دیگه تو این زندگی سگی مهم نیست.

موادفروشی یکی از شایع‌ترین رفتارهای آسیب‌زایی است که از جانب این دسته از کارگران صورت می‌گیرد. خرید و فروش مواد، اغلب در میدان‌های اصلی شهر تهران صورت می‌گیرد. یکی از کارگران درباره این وضعیت می‌گوید:

یه سری بزن به خیابان... خیلی از کارگرا هستن که از اون پایین تا بالا خلاف می‌کنن. اکثراً هم موادفروشن و خلاف‌هایی مثل دزدی و جیب‌بری انجام می‌دن. زیر پل... هم زیاد جمع می‌شن، خلافشون هم با موتور انجام می‌دن تا اگه پلیس اومد، بتونن در برن.

نتیجه‌گیری

کارگران مهاجر فصلی یکی از گروه‌های حاشیه‌ای و آسیب‌پذیر در شهر تهران است. این مقاله تلاش کرد تا زندگی حاشیه‌ای این گروه آسیب‌پذیر شهری را، هرچند به صورت ناچیز، به رشته تحریر درآورد. یافته‌ها نشان داد که وضعیت نامناسب زندگی کارگران فصلی و عدم برخورداری از حداقل‌ترین نیازها در شهر تهران، از عوامل زمینه‌ساز گرایش کارگران فصلی در شهر تهران به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی است. از مصاحبه‌های انجام‌شده می‌توان استنباط کرد که رفتارهای پرخطری مانند استعمال سیگار و مصرف مواد مخدر، از شایع‌ترین آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر در بین کارگران فصلی است.

دیگر نتایج نشان می‌دهد که وضعیت عمومی کارگران مانند درآمد، خواب و استراحت و تغذیه، شرایط نامطلوب و نامناسبی دارد. مطالعات اندرسون، یانگ و همکاران، ونگ و همکاران، روبرتس، ونگ و وانگ، ونگ و همکاران نتایج فوق را تأیید می‌کند (Yang et al 2009؛ Anderson 2006؛ Wen and Wang 2009؛ Wong et al 2007؛ Roberts 2001؛ Wong et al

(2008). درنهایت، گونه‌شناسی کارگران فصلی بر مبنای رفتارهای پرخطر، نشان داد که می‌توان کارگران فصلی را به سه گونه تقسیم بندی کرد. گونه اول، مستعد آسیب هستند که این گونه به گروهی از کارگران فصلی اطلاق می‌شود که با توجه به شرایط سخت زندگی در شهر تهران، به رفتار پرخطری اقدام نمی‌کنند، ولی در معرض این‌گونه رفتارها قرار دارند. بیشترین تعداد کارگران در این گونه قرار دارد. گونه دوم، آسیب‌پذیرند؛ بدین معنا که پذیرای رفتارهای پرخطری مانند اعتیاد و بی‌خانمانی و خودکشی هستند. گونه سوم، گونه آسیب‌زا هستند. این گونه به رفتارهایی اقدام می‌کنند که معمولاً دارای قربانی است؛ مانند زورگیری و سرقت.

کتابنامه فارسی

۱. پوراحمد، احمد و محسن کلاتری. ۱۳۸۱. نقش مهاجرین در نوع و میزان جرائم ارتكابی شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
۲. صادقی فسایی، سهیلا. ۱۳۸۵. ارائه یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و ارائه راه‌حل‌های کاهش آن در عسلویه. مجله انجمن جامعه‌شناسی، شماره ۲.
۳. علاءالدینی، پویا و همکاران. ۱۳۸۹. جابه‌جایی جمعیت و اچ‌آی‌وی. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳.
۴. مشفق، محمود و علی یاراحمدی. ۱۳۸۶. مهاجرت کارگری، اشتغال در بازار کار غیررسمی و آسیب‌پذیری ناشی از آن. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران شماره ۳.

کتابنامه لاتین

5. Adler, Freda et al. 2001. Criminology And The Justice System. MC Grawhill.
6. Agnew, Robert. 2009. why do individuals engage in crime, from Key Readings In Criminology Edited By Tim Newburn. Willan Publishing.
7. Anderson, Nels. 2006. The Hobo: sociology of the homeless man, Edited by Piers Beirne, Rutledge.
8. Brown, Stephen et al. 1998. Criminology :Explaining Crime And Its Context. Inderson Publishing Co.
9. Burfeind, W, James and Dawn Bartusch. 2006. Juvenile Delinquency: An Integrated Approach, Janes and Bartlett publishers.
10. Caves W. Roger et al. 2005. Encyclopedia of the City. Routledge.
11. Chen, Xinguang et al. 2004. Cigarette Smoking Among Rural-To-Urban Migrants In Beijing, China. Preventive Medicine 39. 666– 673

12. Einstadter, Werner et al. 2006. *Criminological Theory: An Analysis Of Its Anderlying Assumption*. Publishers. INC.
13. Gottdiener, mark and Leslie budd. 2005. *The Concepts In Urban Studies*, Sage Publication.
14. Jacobs, A, Burce. 2002. *Investing Deviance: An Anthology*. Roxburg Publishing.
15. Kawachi, Ichiro et al. 1999. *Crime: Social Disorganization And Relative Deprivation*. *Social Science Medicine* , No 48
16. Ma, Guoam. 2001. *Population Migration And Crime In Beijing, China*. in *Crime And Social Control In Changing China*. edited by jlan Hong liu.
17. Marsh, Ian et al. 2006. *Theories Of Crime*, Routledge.
18. Mccaghy, Charless et al. 2006. *Deviant Behavior*. Library Of Congress. Cataloging-In-Publication Data.
19. Puri, M and J. Cleland. 2006. *Sexual Behavior And Perceived Risk Of HIV/AIDS Among Young Migrant Factory Workers In Nepal*, *Journal Of Adolescent Health*, Published By Elsevier Ltd.
20. Roberts, Kenneth. 2001. *The Determinants Of Job Choice By Rural Labor Migrant In Shanghai*, *China Economic Review* 12.
21. Sakir, Ozen et al. 2005. *Juvenile Delinquency In A Developing Country: Province Example In Turkey*. *International Journal Of Law And Psychiatry* 28.
22. Shukai, Zhao. 2000. *Criminality And The Policing Of Migrant Workers*. *The China Journal*. No. 43.
23. Siegel, Larry. 2003. *Criminology*. Thamson-Wadsworth.
24. Wen, Ming and Guixin Wang. 2009. *Demographic, Psychological, and Social Environmental Factors of Loneliness and Satisfaction among Rural-to-Urban Migrants in Shanghai, China*. *International Journal of Comparative Sociology*. Vol. 50(2): 155–182.
25. Wong, Daniel et al. 2007. *Rural Migrant Workers*. In *Urban China: Living A Marginalised Life*, Blackwell Publishing Ltd and the *International Journal of Social Welfare*.
26. Wong, Daniel et al. 2008. *Mental Health Of Migrant Workers In China: Prevalence And Correlates*. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol*. 43:483–489.
27. Yang, t. et al. 2009. *Smoking Patterns Among Chinese Rural–Urban Migrant Workers*, *Public Health* 123.